



گروه سینما: حسین مهری که در کارنامه کاری خود، نقش‌های زیادی را ایفا کرده و این بار در «ماجرای نیمروز؛ رد خون» شاهد نقش‌آفرینی

متفاوت‌تری از او هستیم. او در این سری از فیلم، حتی نقش متفاوت‌تری نسبت به سری اول دارد که در قالب یک فرمانده نظامی حضور پررنگی دارد و می‌توان آن را یکی از خطوط اصلی داستان دانست. با بررسی تاریخ معاصر در جریان هشت سال دفاع مقدس، گروهی به ایران هجوم می‌آورند به نام «سازمان مجاهدین خلق» که یکی از سرکرده‌های این گروه «عباس زریباف» است که حسین مهری نقش آن را به‌خوبی ایفا کرده است. او در گفت‌وگویی با «صبا» درباره ابعاد شخصیتی این کاراکتر توضیحاتی را ارائه داده که با حذف سوال‌ها، آن را در ادامه می‌خوانید.

حسین مهری: حالا دیگر دوست دارم در تاریخ کنکاش کنم

● درباره «رد خون» بسیاری از فیلم‌های مرتبط با این موضوع را تماشا کردیم و سندهایی وجود داشتند که آن‌ها را مورد مطالعه قرار دادیم؛ برخی موضوعات با مشورت‌های محمدحسین مهدویان و مواردی هم در متن براساس تحقیقاتی که گروه نویسنده انجام داده بودند، صورت گرفت.

● می‌گویند «عباس زریباف» بزرگ‌ترین جاسوسی بوده است که در دوره چهل ساله به حکومت نفوذ کرده است اما اطلاعات کافی که مردم از این شخصیت داشته باشند، وجود ندارد و ما فقط یک قطعه عکس از او دیده بودیم و چیزی نبود که بگوییم مابه‌ازای بیرونی داشته است. ما فقط برخی فعالیت‌هایی که این آدم انجام داده بود را می‌دانستیم و بخش‌های دیگر را با تخیلی که احساس می‌کردیم به این کاراکتر نزدیک است، باید تصویر می‌کردیم.

● صحنه‌های درگیری، بسیار عظیم بودند و مشکلاتی مانند سردی هوا، زخمی شدن و اتفاقات مهم فیزیکی که امکان داشت برای ما بیفتد، وجود داشت. صحنه آتش زدن بیمارستان اسماعیل‌آباد بر روح آدم بسیار تاثیر منفی می‌گذاشت؛ بازی کردن در این صحنه از لحاظ حس و حال برای «عباس زریباف» واقعی و من که نقشش او را بازی می‌کنم، خیلی متفاوت است. بازی در این صحنه مرا بسیار آزار داد. این که چطور عده‌ای می‌توانند وارد بیمارستان شوند، بچه‌ها، زنان و مردان که در بیمارستان در حال مداوا شدن هستند را این‌گونه به خاک و خون بکشند.

● سعی می‌کردیم گرم و تیپ شخصیتی، تا حدود زیادی نزدیک به شخصیت واقعی «عباس زریباف» شود. گرم و طراحی لباس بسیار مهم است؛ من گرم خودم را در این فیلم دوست داشتم. اگر گرم شما را مقداری به سمت نقش حرکت ندهد، هر روز که قرار است جلوی دوربین بروید ممکن است برای شما آزاردهنده باشد اما زمانی که با آن ارتباط برقرار می‌کنید، می‌تواند به بهتر درآوردن نقش و روحیات آن کمک کند. در «ماجرای نیمروز؛ رد خون» یک گرمور بسیار خوب، یعنی شهرام خلج را داشتیم، به علاوه مجری گرم هم به قدری در ریزه‌کاری‌ها دقیق بودند که بسیار لذت بردم.

● بخش اعظم بازی من مربوط به عملیات «مرصاد» بود. ما سعی کردیم همان بخش را به مخاطب نشان دهیم و به گروه‌های دیگر در آن زمان نپرداختیم. در فیلم از زبان هر سه جناح یعنی رزمندگان که در آن زمان بودند، مجاهدین و مردم، بسیاری از موضوعات را شنیدیم و این گفت‌وگوها به ما در بهتر درآوردن موضوعات کمک می‌کرد.

● حال و هوایی که در فیلم وجود داشت و کار بار محمدحسین مهدویان از جذابیت‌های این فیلم برای من بود؛ این طور نبود که بگوییم دوست دارم در تاریخ کنکاش کنم زیرا گاهی وقت‌ها شاید نتوان در تاریخ، واقعیت را از خیال تشخیص داد، به همین دلیل علاقه‌ای به پرداختن به مجاهدین ندارم مگر این که شناخت کاملی از موضوع داشته باشیم. در فیلم «ماجرای نیمروز» تحقیقات فراوانی در رابطه با عملیات «مرصاد» انجام دادیم.

● این آثار برای مردم ساخته می‌شوند. نظرات مختلفی وجود دارد و همه این دیدگاه‌ها محترم هستند حتی کسانی که با آن‌ها مخالف‌اند. ترجیح می‌دهم نظرم را برای خودم نگه دارم. سری اول و دوم فیلم برای من رنگ و بوی متفاوتی دارد. برای من این دو اثر، دو کار متفاوتی هستند که در آن‌ها حضور داشتیم. «ماجرای نیمروز ۱» به دلیل این که نخستین بار به قصه این چنینی می‌پرداخت جذابیت بیشتری برای مخاطبان داشت.

ApertSoft Trial Version